

چنان مجلسی، چنین نمایندگان لازم دارد!

□ برای نماینده "مجلس شورای اسلامی" تنها بینائی و شنوائی و گویائی (آدم در حد آنچه استاد ازل گفت بگو می گویم) کافی است و لازم نیست از نعمت تفکر و تعقل، آزاداندیشی، تشخیص بد و خوب و استعداد قانونگذاری مطابق نیازهای دنیای امروز و آینده نگری برخوردار باشد. چرا که برآستی در جمهوری اسلامی ایران، حرف اول را "ولی فقیه" می زند و مجلس، حتی حق قانونگذاری به معنای واقعی آن را ندارد.

اصل "ولایت فقیه" پشت کرده و می خواهد بی نمازها را وارد مجلس کند. آیت الله آذری قمی در سخنرانی پیش از خطبه های نمازجمعه نمایندگان را به باد انتقاد و تکتیر گرفت. او گفت هرکس به نمایندگان که به حذف "التزام" ادامه در ص ۷

منگامی که مجلس، اصلاحیه قانون انتخابات را در شور اول، با حذف شرط "التزام عقلی به اسلام" برای انتخاب شوندگان، تصویب کرد، سروصدای زیادی در محافل ارجحائی بها شد. سخنگویان مریح ترین قشر روحانیت حاکم فریاد برآوردند که اکثریت مجلس به



شماره ۳۵۱، دوره هشتم، سال هشتم، ۲۱ خرداد ۱۳۷۰

یگانۀ شرط دمکراسی از دیدگاه ریاست جمهور و رژیم

به یاد
محمد علی افراشته
 شاعر توده ای
 ص ۲
" ازدواج موقت "
 اشک تمساح
 برای نیازجنسی مردان
 بی تفاوتی جنایتکارانه
 نسبت به
 سرنوشت زنان
 ص ۴ و ۵
او که نالید،
که از شماست
که بر شماست!
 ص ۳
جنگ برای
کودکان عراقی
پایان نیافته ...
 ص ۸

* هرکس و یا هر سازمانی نخواهد در پایان سده بیستم اصل قرون وسطایی "ولایت فقیه" را به رسمیت بشناسد، حق حیات آزاد ندارد. ولی در شناسایی این اصل یعنی قبول "بردگی"، "کنیزی" و پذیرش بی چون و چرای اوامر "ولی فقیه"، گرچه مضمون آنها فاقد معنا و منطقی بوده و در تضاد آشکار با عقل سلیم باشد.

* چه تضمینی وجود دارد، آنهایی که امروز برای رسیدن به اهداف خود از کارشناسان و سرمایه داران می خواهند تا به کشور بازگردند، فردا پس از برآورده شدن بخشی از اهدافشان، همان بلایی را بر سرشان نیاورند که ۱۰ سال پیش آوردند؟

خلاف آزادی های موجود در قانون اساسی را تبلیغ می کنند و "حتی آزادی انتشار تعدادی مجله و فیلم و کتاب و امثال آن را هم که مثلا مربوط به عده ای روشنفکر هست، نادرست می دانند". وی سپس از رفسنجانی می پرسد: "تفسیر جنابمائی از آزادی های قانونی که در قانون اساسی آمده است، چیست؟" رفسنجانی از پاسخ مستقیم سر باز می زند. به گفته وی، "آزادی و دمکراسی با همان معنایی که در قانون اساسی آمده، از اسلام گرفته شده و در اسلام هست. در جامعه اسلامی افراد و گروههای دارای افکار و سلیقه های مختلف حق دارند نظریاتشان را با همان شیوه هایی که قانون غیرمجاز ندانسته، آزادانه بیان کنند".

این "شیوه ها" کدامند؟ رفسنجانی در این باره توضیحی ندارد. زیرا قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران براساس اصل "ولایت فقیه" نوشته شده و اصولا به گفته خود روحانیون حاکم، قوانین جاری در ایران برپایه اصول مندرج در کتاب آسمانی تدوین شده اند. البته

آقای رفسنجانی رئیس جمهور، در ۲ اردیبهشت ماه مصاحبه ای طولانی با خبرنگاران "اطلاعات" داشت. وی در این گفتگو برای اولین بار در تاریخ موجودیت رژیم "ولایت فقیه"، اسرار پشت پرده را که سالها از گوش های نامحرم امت همیشه در صحنه حاضر، پنهان نگه داشته می شد، باز کرد. هنوز چند صباحی نگذشته، یعنی ۱۶ اردیبهشت ماه وی در "گفت و شنود" با دانشجویان "بخشی از پاسخ های خود را تکرار کرد". "نامه مردم" به تدریج معضلات مهم اجتماعی-اقتصادی و سیاسی طرح شده در این گفتگو را حلاجی خواهد کرد. زیرا رفسنجانی خواسته و یا ناخواسته به همه نظرات ما درباره وجود بحران ساختاری که سالها از جانب مبلغان رژیم انکار می شد، صحنه گذارده است. در این مقال، با توجه به دھوت مکرر آقایان از مهاجران سیاسی و سرمایه داران برای بازگشت به بهشت جمهوری اسلامی و دادن وعده آزادی روی این موضوع بسیار مهم دمکراسی تکیه می کنیم. خبرنگار "اطلاعات" مسئله "آزادی گروهها و احزاب را مطرح ساخته و می گوید، البته برخی از "صاحب نظران" عملا

"نظم نوین" در منطقه یعنی آزادی، دمکراسی، صلح، تأمین امنیت خلقها و عدالت اجتماعی!

ادامه در ص ۲

یگانه شرط ...

خود آقایان هم می دانند که متن کتاب آسمانی بازتاب جامعه اعراب وحشی ۱۳۰۰ سال پیش بود. پس از ۱۳ قرن از آزادی و دمکراسی اسلامی سخن به میان آوردن، حداقل بی انصافی است. مواد قانون اساسی مربوط به آزادی های دمکراتیک چنانکه گفتیم در پیوند تنگاتنگ با اصل "ولایت فقیه" است که برای انسان حتی قائل نیست و "ولی فقیه" را یگانه قاضی تعیین سرنوشت انسانها می داند.

رفسنجانی در "گفت و شنود" با دانشجویان در این مورد توضیح صریح تری دارد. او، در پاسخ به این پرسش که "علت توقف و یا کم رنگ بودن احزاب چیست و در چه صورت نهضت آزادی می تواند فعالیت خود را آغاز کند؟" گفت: "نهضت آزادی به خاطر بعضی مواضعی که گرفت و ولایت فقیه را قبول نداشت، مطابق قانون غیرقانونی شد. اگر خردشان را اصلاح کنند و خود را با قانون اساسی منطبق کنند، می توانند مثل بقیه احزاب حرکت کنند."

توضیح پیرامون این اظهارنظر را از پایان سخنان رفسنجانی شروع می کنیم. کدام احزاب در جمهوری اسلامی حرکتی دارند و مقصود رئیس جمهور از "مثل بقیه احزاب چیست؟ از دو حال خارج نیست یا آقای حاشمی از آنچه در جامعه می گذرد بی خبر است و یا دانشجویان را بی اطلاع از رویدادهای جامعه ای می داند که در آن زندگی می کنند. فرض نخست قابل پذیرش نیست. رفسنجانی هم مانند خصمی و خامنه ای قاتل هزاران دگرواندیش اعضای

سازمانها و احزاب سیاسی است و به خوبی می داند که در جامعه کنونی هیچ حزبی و سازمانی حق حیات ندارند. پاسخ فرض دوم را خود دانشجویان باید بدهند.

اما، آنجا که رفسنجانی علت غیرقانونی شدن فعالیت نهضت آزادی را در عدم شناسایی "ولایت فقیه" معرفی می کند، بالاخره حقیقتی را بی لافله ارائه می دارد، هرکس و یا هر

سازمانی نخواهد در پایان سده بیستم اصل قرون وسطایی "ولایت فقیه" را به رسمیت بشناسد، حق حیات آزاد ندارد. ولی در شناسایی این اصل یعنی قبول "بردگی"، "کنیزی" و پذیرش بی چون و چرای اوامر "ولی فقیه"، گرچه مضمون آنها فاقد معنا و منطق بوده و در تضاد آشکار با عقل سلیم باشد، آزاد است. هیچ انسانی که اندکی به شخصیت خود احترام می گذارد، نمی تواند به چنین ذلت و خواری تن در دهد.

چه تضمینی وجود دارد، آنهایی که امروز برای رسیدن به اهداف خود از کارشناسان و سرمایه داران می خواهند تا به کشور بازگردند، فردا پس از برآورده شدن بخشی از اهدافشان، همان بلایی را بر سرشان نیاروند که ۱۰ سال پیش آوردند؟ رئیس کل بانک مرکزی در گردهم آیی سرمایه داران ایرانی در نیویورک، از جمله گفت: ۲۷ هزار نفر به علت بدمی های بانکی از سوی بانک مرکزی "ممنوع الخروج" بودند که احکام ممنوع الخروج تمامی افراد لغو شده است تا این اقدام باعث منع حضور افراد در ایران نشود.

روزنامه "کیهان"، پس از اثبات بی معنا بودن اصطلاح "ممنوع الخروج" در مورد افرادی که در خارج زندگی می کنند به اصل مطلب می پردازد و می نویسد: "... در همین جا به سرمایه داران و سرمایه گذاران محترم توصیه می شود که همواره سیاست "خروج در شرایط بحران" و "ورود در شرایط رونق اقتصادی" را مد نظر داشته باشند...

روزنامه این نوشته را زیرعنوان "طنز" منتشر ساخته است. آیا اظهارات خود آقای رفسنجانی از لحاظ مضمون طنز تلخ نیست و نباید مضمون و معنای این گونه طنزها را مد نظر داشت؟



از گفت و شنود رفسنجانی با دانشجویان بدون تفسیر

واقعا هم جرأت می خواهد

سوال: قانون احزاب چه موقع اجرا خواهد شد؟
جواب: قانون احزاب را ما ابلاغ کردیم و باید هم اجرا بشود، دارد اجرا هم می شود. ظاهرا افراد جرأت نمی کنند بروند حزب تشکیل بدهند (خنده حضار).

جنابعالی رفسنجانی چگونه می تواند...

سوال: برنامه های اقتصادی دولت... بخشی از مردم را واقعا مستاصل کرده است. شما چه نظری دارید. آیا دستکاهی واقعا در پایان برنامه پنجساله وجود دارد که مشخص کند چرا مطابق برنامه اعلام شده عمل نکردید. با این تذکر که همیشه کارها را مطابق برنامه پیش ببریم امری ستودنی است و در جنابعالی نیز توانایی آن وجود دارد.

جواب: اولاً ما دائما برنامه داریم... ما اینکه اینجا نوشته اند بخشی از مردم را مستاصل کرده، ما نمی دانیم کجای برنامه های اقتصادی مستاصل کرده است... آنچه در مردم است مجموعا رشد کرده و هشت، نه درصد ما گران تر از پارسال بودیم. اما به جای سی درصد هشت درصد شده، هیچ کس فکری نمی کرد چنین شود.

به گروه های ایرانی چه می گوید؟

سوال: نظر ایران در مورد تشکیل یک حکومت خودمختار در کردستان عراق چیست؟

جواب: ... ما راه حل عراق را این نمی دانیم. راه حل مسئله کرد را هم این نمی دانیم. یک جامعه آزاد می دانیم!... اما نظر ما به کردهای دوست خودمان هم همیشه گفته ایم که ما باید به دنبال یک حکومت آزاد در عراق باشیم.

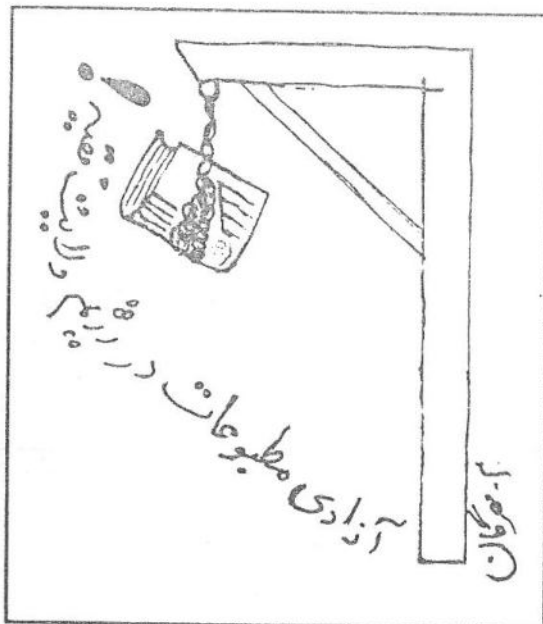
صبر تلخ است ولی ...

سوال: آیا کمک هزینه دانشجویان افسزایش می یابد؟

جواب: بلی، دل ما می خواهد... انشاءالله ما در انجام وظایف مان کوتاهی نخواهیم کرد.

خاطر بپزیر آسوده باشه ...

سوال: آیا واقعا امروزه سیاست دنیا عوض شده یا پس از رحلت امام تغییر موضع داده ام؟
جواب: نه سیاست دنیا عوض شده است و نه ما تغییر موضع داده ایم. شرایط یک مقدار عوض شده است... یک مقدار درها بازتر شده است.



به یاد

محمد علی افراشته

شاعر توده ای

شغال محکوم



ای شغال تنه گنده، خپله خوب، بدجنس جد اندر جد دزد بی شرافت، به کدام استحقاق آخر ای بی هنر و بی همه چیز نیمه شب بهر چه آئی پابوس بی گذرنامه و بی پروانه مالکی، باج زمین می طلبی؟ مرغ بی وقت مگر چیزی خوند سیدی، عامی، تا خمس و ذکوات متولی دهات مائی یا که هستی گل مولا درویش

دهدی افتاده دُمت لای تله؟ کارناکرده چه می خواهی مزد؟ می کنی خریزه ها را قاچاق؟ که تو را کرده عزیز جالییز؟ دزد، دزدانه بری مرغ و خروس؟ چه زنی هروله دور لانه شیخی از بابت دین می طلبی؟ که تناول بنماید آخوند به تو تقدم نمایم، بسد ذات؟ یا شفا یافته آقائی سرخرمن طلبی حصه خویش؟

از در عدل مظفر نکرم آدم ثبت سجل یا نوغان؟ آمدی یا به هوای مازاد؟ ببری خدمتشان مرغ مرا؟ سر دیوار پریده حیوان؟ شهردار هستی یا استاندار ناخنک گفته به خرمن بزنی؟ یا که دستور شنایم ز امیر؟ توصیه کرده به جالییز تو را به تو داده سمت بازرسی؟

شده یکدفعه کنی یاری من؟ دستت از بیل شده آبله دار؟ هیچ شد غش کنی از گرمائی؟ شد بگوئی نکند دستت درد؟

احمدی وار بگو، مختاری سر جالییز به دارت بزیم عبرت الناس (۱) شغالان دگر مثل بعضی وزراء بلفشار از ته قلب، شغال آه کشید شیر موش هستی و موش شیری

دزد ده دهکده آقا و عزیز؟ دزد صد قریه جناب سردار حضرت اشرف و خان واعیان؟ همه بودند به عرف تو شغال

باری از شرع مطهر گذریم چوب دارستی یا جنگلبان؟ بهر اجباری از رکن و ستاد هست امنیه فرستاد تو را سوو پیشینه مگر دارد آن بخشدار هستی یا فرماندار ملک الموت ملایر، "مدنی" خط مگر داری از آقای وزیر بلا تشبیه رئیس الوزرا مگر از دفتر مخصوص کسی

از سر شخم زدن تا خرمن هیچ در مدت عمرت یکبار هیچ شد یخ کنی از سرمائی این همه پیشکشت ای نامرد

حال اگر تویه وصیت داری پوستت را کنم و گاه کنم تنه لش، جایگزین سر خر رقص مطبوع کنی بر سردار سخن بزرگر اینجا که رسید گفت افسوس که بی تدبیری

دزد یک جوجه خروس، حلق آویز دزد یک خریزه اندر سر، دار زالسوی خون هزاران دهقان داشتی گرهنر و عقل و کمال

او که نالید،

که از شماست

که بر شماست!

نمایان شدن چهره آیت الله العظمی خوئی بر صفحه تلویزیون بغداد و نفی قیام مسلحانه شیعیان عراق علیه رژیم صدام حسین، گردانندگان رژیم "ولایت قتیبه" را در وضع بسیار احمقانه ای قرار داد. استادان بی رقیب نشانیدن دگردانیشان در برابر میکروفون و وادارکردنشان به خودکوبی و نفی عقاید خویش، انتظار نداشتند که دیگران نیز بتوانند یک آیت الله العظمی را وادار به نفی مبارزه اسلام علیه کفر سازند.

گردانندگان رژیم "ولایت قتیبه" که خوب می دانستند کشاندن یک شخصیت دگردانیش جلوی میکروفون برای "مصاحبه"، تنها پس از شکنجه های غیرانسانی و طولانی امکان پذیر است، فکر می کردند که رژیم های "لایک" که به نام مذهب شکنجه نمی دهند، جرأت ندارند از وسایلی که جمهوری اسلامی از آنها استفاده کرده و می کند، بهره گیرند.

در روزنامه های مجاز آمده بود که آیت الله خوئی به هنگام مصاحبه چهره ای تکیده و رنجور داشته است و این را دلیل غیرطبیعی بودن آنچه که روی داده دانسته بودند. ولی همین روزنامه ها که "مصاحبات" کذابی را به موقع خود با آب و تاب چاپ می کردند ننوشتند که مصاحبه شوندگان استودیوی "آوین" در چه عالمی سیر می کرده اند و مصاحبه ها گاه گاه قطع می شده تا آبی را که از لب و دهان مصاحبه شوندگان جاری بوده پاک کنند. این واقعیت را کارشناسان از روی شیوه مونتاژ مصاحبه ها کشف کردند. بنیانگذاران این شیوه های شرم آور و زشت که برای اثبات "حقانیت" خود، دگردانیشان را با شکنجه های هولناک به نفی عقاید خود وامی دارند خود گردانندگان رژیم "ولایت قتیبه" هستند واینک حق ندارند از صدام بنالند که چرا از شیوه های ابداعی رژیم "ولایت قتیبه" بهره می گیرد.

حتی سربه نیست کردن مخالفان در زندانها که صدام در رسانه های گروهی رژیم به آن متهم می شود، در برابر آنچه در زندان های جمهوری اسلامی گذشته رنگ می بازد. مگر آیت الله خمینی پس از به شکست کشاندن ایران در جنگ که حاصل ندامت کاری و کج فکری شخص او بود، فرمان قتل جمعی بی سروصدای زندانیان سیاسی را صادر نکرد که طی آن از جمله صدها تن از برجسته ترین رهبران، کادرها و اعضای حزب ما و دیگر سازمان های سیاسی چپ دزدانه به قتل رسیدند و مخفیانه به گورهای جمعی سپرده شدند؟

تصادفی نبود که پس از "مصاحبه" آیت الله العظمی خوئی در تلویزیون بغداد، سران رژیم کم کم خفقان مرگ گرفتند و نام او را از خبرها به کلی حذف کردند. آنان بی بردند که سروصدای بیشتر در این مورد، رازهای مکوی خودشان را نیز برسر زبانها خواهد انداخت و بدین جهت به مصداق ضرب المثل

"چون نیک نظر کرد پرخویش در آن دهد

گفتا ز که نالیم که از ماست که برماست"

تصمیم به سکوت گرفتند.

مقاله رسیده

" ازدواج موقت "

اشک تمساح برای نیاز جنسی مردان بی تفاوتی جنایتکارانه نسبت به سرنوشت زنان

ازدواج موقت انجام گیرد. این برای آن است که غریزه جنسی طوری اطفاء شود که فساد در جامعه راه پیدا نکند... اما آذری قمی قاعدتا باید بداند که از روایات بجای آیات قرآنی نمی توان استناد کرد. و هم بستر شدن با مرد در مقابل دریافت یک درهم نامش نه ازدواج موقت بلکه تن فروشی است.

البته قرآن در آیات دیگری که ما به بعضی از آنها اشاره خواهیم کرد به مسئله ازدواج می پردازد و احکام صریح و روشن خود را بیان می کند. آیه مورد استناد آذری قمی تنها مربوط به زنانی است که نمی توان و نباید به عقد ازدواج درآورد. و ضمناً اجازه ازدواج با زن شوهردار را می دهد، به شرطی که زن را به عنوان غنیمت جنگی، در جنگ با کفار به حکم خدا، همراه اموال شوهر کافرش تصاحب کرده باشند.

مقتدائی، رئیس دیوان عالی کشور، در گزارش روزنامه کیهان (۲۶ آذر ۶۹) نشان می دهد که

این عمل حتی در زمان خلفای راشدین منثور بوده است و می گوید: "اختلاف معروف بین علمای شیعه و علمای اهل تسنن، یکی همین مورد است که بین علمای شیعه صحت این ازدواج وجود دارد، اما علمای اهل تسنن این نظر را ندارند و می گویند گرچه در زمان پیغمبر (ص) عمل می شده اما در زمان خلیفه دوم (عمر) متوقف شده و خلیفه دوم آن را تحریم کرده است". قاعدتا اگر از ازدواج موقت هم مانند تعدد زوجات و داشتن کنیز مملوکه در قرآن ذکری شده بود خلیفه دوم جرات نمی کرد آن را تحریم کند. در زمان حیات پیامبر چیزهای دیگری هم در جامعه عمل می شده که در قرآن با نفرت از آنها یاد می شود از جمله تصاحب همسران پدر از سوی پسری که پس از مرگ پدر وارث او شده است.

همانطور که اشاره کردیم در قرآن احکامی مربوط به ازدواج و محرمات آن با جزئیات تشریح شده و در میان آنها از ازدواج موقت و متمه سخنی در میان نیست. سوره نساء آیه ۲۵- "هرکس را وسعت

کوشیده بود با استناد به آیه ۲۲ سوره نساء (آیه ۲۴ در قرآن "موسسه چاپ و انتشارات محمدحسن علمی") ثابت کند که "ریشه" ازدواج موقت در قرآن است. ترجمه فارسی این آیه در همان قرآن چنین آمده است: "ونکاح زنان محصنه (یعنی ازدواج با زنان شوهردار) برای شما حرام شد مگر آن زنان که (در جنگ های با کفار به حکم خدا) متصرف و مالک شده اید. بر شماست که پیرو کتاب خدا باشید (با زنانی که به حرمت پادشاه نکاح مکنید) و هرزنی غیر از آنکه ذکر شد (منظور "مادر و دختر و خواهر و عمه وخاله و دختربرادر و دخترخواهر و مادران

فرض کنیم قبح این نوع ازدواج، آنطور که دخواه رفسنجانی است در میان مردم از بین برود و مردان و زنان ایرانی که در سن باروری هستند شیوه ازدواج موقت را برای اطفای غریزه جنسی درپیش گیرند. اگر بطور متوسط هفته ای یکبار نیاز به اطفای غریزه جنسی داشته باشند درسال می شود ۵۲ بار. و اگر امکانات تشکیل خانواده و زندگی صحیح خانوادگی همچنانکه امروز شاهد آن هستیم محدود و دشوار باشد و جوانان ایرانی مجبور باشند ده سال یا بیشتر از تشکیل خانواده خودداری کنند، در دوران بی خانمانی خود باید حدود ۵۲۰ بار ازدواج موقت کنند!

رضاعی وخواهران رضاعی و مادران و دختران زن که در دامان شما تربیت شده اند" است که در آیه ۲۲ سوره نساء آمده است. یادداشت نویسنده) حلال است که به مال خود به طریق زناشویی بگیری نه آنکه زنا کنی. پس چنانکه شما از آنان بهره مند شوید آن مهر معین که مزد آنهاست به آنان بپردازید و باکی نیست بر شما که بعد از تعیین مهر هم به چیزی با هم تراضی کنید (و بدانید که) البته خدا دانا و به حقایق امور آگاه است". از این آیه آذری قمی به این نتیجه رسیده است که گویا "ریشه" ازدواج موقت در قرآن است و مفهوم آیه این است که "اگر فردی به دلایلی، از جمله دلایل، دلایل مالی است، مسکن است، نفقه دادن و خرج دادن است که الان هم این دلایل در جامعه ما هست، قدرت نداشته باشد که ازدواج دائم بکند، خداوند تبارک و تعالی او را از این حق طبیعی محروم نکرده است و طبق شرایطی که مثلا در بعضی روایات اشاره کرده است که در مقابل یک درهم یا بیشتر و حتی مدت را هم مشخص کرده که مثلا سه روز یا کمتر، عمل

حتی آیات عظام" و "صحیح اسلام" هم دیگر قادر به انکار این واقعیت تلخ نیستند که دوازده سال پس از "انقلاب اسلامی"، مفاسد هولناک در بسیاری زمینه ها و از جمله جنسی در جامعه ایران گسترش بی سابقه ای یافته است. ولی هرکس که درباره این مفاسد سخن می گوید، ضمن ابراز نگرانی، می کوشد آنها را به گونه ای مطرح سازد که کسی بی نبرد تا سیاست "اسلام قلمتی" رژیم حاکم مایه گسترش آنها شده است.

هنکامی که رئیس جمهور در نماز جمعه نهم آذرماه ۶۹، نه برای نخستین بار، بحث "ازدواج موقت" را، به خیال خود برای جستجوی راهی به منظور محدود کردن انفعال فساد در جامعه پیش کشید، انتظار نداشت با چنین واکنش منفی شدیدی از سوی مردم روبرو گردد. دو هفته پس از آن نماز جمعه، رفسنجانی در مصاحبه ای که با دانشجویان به مناسبت "روز وحدت حوزه و دانشگاه" داشت، در این باره چنین گفت:

"این مسائلی که من مطرح کردم، آنچنانکه به عنوان یک مسئول در جامعه احساس می کنم به عنوان درد مردم و بخشی از جامعه وجود دارد، وظیفه خود می دانستم بگویم و می دانستم بعضی جاها هم ممکن است سلیقه هایی پذیرای آن نباشد... عمده هدف من این بود که قبح این موضوع ریخته شود، چون هیچ دلیلی ندارد که این حکم خداوندی در بین مردم قبیح باشد..."

نخست ببینیم آیا واقعا "ازدواج موقت" یک حکم الهی است؟

قاعدتا احکام الهی را باید در قرآن جستجو کرد. به همین منظور نویسنده این سطور باری دیگر ترجمه فارسی قرآن را مرور کرد تا اصل این حکم را بیابد. معلوم شد در قرآن نه از "ازدواج موقت" سخن به میان آمده و نه واژه "تممه" در آن وجود دارد.

در میان کسانی که در بحث جنجالی پیرامون "ازدواج موقت" (همان "صیغه" در زبان مردم و "تممه" در زبان کارشناسان امور ققهی) شرکت کردند، تنها "آیت الله" آذری قمی

از مطبوعات مجاز

بازسازی کی آغاز می‌شود؟

جنگ مدت‌هاست پایان یافته. ولی بازسازی شهرهای ویران شده با وجود وعده‌های تکراری رژیم هنوز آنچنان که باید آغاز نشده است. اینهم یک نمونه،

در نقاط آسیب دیده استان خوزستان، در بخش مسکن حدود ۷۰ هزار واحد مسکونی و در بخش روستایی ۵۰ هزار واحد مسکونی تاکنون بلااقدام مانده است و تا امروز قط در مورد ۷۵۰۰ واحد مسکونی روستایی اقدام شده است.

برای سال ۱۳۷۰ دولت قسط ۱۰۵ میلیارد ریال اعتبار اختصاص داده که این مبلغ نصف اعتبار مورد نیاز است.

داستان پیرزن فقیر و بیمار تبریزی

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، "مردی، پس از آنکه برای صالجه مادرزن ساقزده و بیمارش با مشکلات متعددی روبرو می‌شود، درمانده و مستاصل وار در یکی از خیابان‌های شرق تهران رها می‌کند و می‌رود. ساکنین محل با توجه به وخامت وضع مریض، ۴ بار با یکی از مراکز انتظامی تماس گرفتند که پس از ۲۴ ساعت گذشت انتظامی حوالی ظهر جمعه جهت بررسی وضعیت پیرزن به آن محل مراجعه می‌کنند. آنها این مسئله بیمار را مربوط به خود نمی‌دانند که سرانجام با کمک افسر نگهبان منطقه تهران نو از اورژانس تهران آمبولانس فرستاده می‌شود. دو تن از تکنسین‌های اورژانس با وجودی که با آمبولانس به محل آمده بودند، پس از آنکه فهمیدند پیرزن کس و کاری ندارد از مرکز خود دستور بازگشت گرفتند..."

قیمت‌ها سقفی نمی‌شناسند

افزایش بهای مواد غذایی سقفی نمی‌شناسد. آمار و بررسی‌های موجود هم بیانگر افزایش مستمر مواد غذایی است. آخرین پژوهش در این زمینه مربوط به گزارش بانک مرکزی تحت عنوان شاخص‌های بهای همده فروشی کالاها در سال ۱۳۶۸ است.

در این گزارش آمده، شاخص بهای گروه مواد خوراکی از عدد ۲۴۲/۷ در سال ۶۷ به عدد ۲۹۴/۱ در سال ۶۸ رسید و طی سال گذشته ۲۱/۲ درصد بالا رفت. فشار اصلی برافزایش این شاخص بیشتر از طرف برنج داخله، معادل ۵۵/۴ درصد، سیب زمینی ۶۵/۱ درصد بود... از دیگر گروه‌ها و اقلامی که در بالا رفتن شاخص مواد خوراکی اثر داشت، بهای مرغ ۱۴/۸ درصد، لبنیات و تخم مرغ ۲۵/۸ درصد، حبوبات ۱۱۱/۱ درصد و قند و شکر و هسل ۲۰۸ درصد بوده است. شاید در سال‌های بعد قیمت‌ها سیر نزولی داشته است؟ پاسخ پژوهشگران "کیهان" صریح و روشن است، "آمارها و گزارش‌های رسمی از وضعیت قیمت‌ها حاکی از آن است که روند سریع افزایش، طی سال‌های اخیر هیچ‌گاه توقیفی هرچند کوتاه نداشته و قیمت‌ها بطور گسترده‌ای در مورد انواع مختلف کالاها مرتباً بالا رفته‌اند، افزایشی که از هیچ حساب و کتاب مشخصی پیروی نکرده و بدون رعایت هیچ معیار خاصی بوده است.

جامه ما چرا تعداد گناهان جنسی که توسط جوانان انجام می‌شود بسیار زیاد است...؟"

علت آن را باید در وحشت گناهکاران از بی‌آمدهای گناه خود جستجو کرد. آنان می‌دانند که اگر قربانیانشان زبان باز کنند، خطر "رجم" (سنگسار شدن) یا دست‌کم شلاق خوردن و بی‌آبرو شدن تهدیدشان می‌کند.

روحانیت حاکم، پس از آنکه اهرم‌های حکومتی را در دست خود قبضه کرد، اشتباهات زیادی را به نام "اسلام ققاعتی" مرتکب شد که هر یک بی‌آمدهای بسیار منفی خود را داشت و اینک مجبور است تک‌تک آنها را پس بگیرد. از جمله می‌توان از زنده کردن رسوم منسوخ مانند پلی‌گامی (چند همسری) و منع قطع بارداری ناخواسته، نام برد که منجر به انفجار جمعیت و آن چیزی شد که اینک حاکمیت با مشکلات ناشی از آن دست به گریبان است و می‌کوشد با عقیم کردن زنان و مردان از گسترش بومی آن جلوگیری کند!

همانطور که توضیح دادیم در قرآن اصطلاحی به نام "تمتع" یا "ازدواج موقت" وجود ندارد ولی داشتن کنیز و استفاده جنسی از "کنیز مملوک" در بسیاری از آیات قرآن آمده است. ازدواج موقت در واقع همان اشاعه فساد به صورت اسلامی است. وگرنه اگر دختری، همانگونه که در بالا اشاره کردیم، در دوران جوانی خود بیش از ۵۰۰ بار با مردان مختلف "ازدواج موقت" کرده باشد و همه این ازدواج‌ها هم، آنطور که پیشنهاد می‌شود، ثبت گردیده باشد، به راستی زندگی خود را تباه کرده است. چرا که دیگر هیچ مردی حاضر به ازدواج و تشکیل خانواده با او نخواهد شد. آیا توصیه‌های "ققاعتی" رفسنجانی به معنی بی‌تفاوتی جنایتکارانه نسبت به سرنوشت زنان جوان و دختران ایرانی نیست؟

می‌دانیم که رسوم و عادات اجتماعی، هرچند که به صورت "احکام الهی" ارائه شده باشند، بسته به شرایط اجتماعی و تاریخی دچار تغییرات بنیادی می‌شوند و ای بسا منسوخ می‌گردند. گویاترین نمونه آن مسئله داشتن "کنیز مملوک" و به بردگی گرفتن دشمن شکست خورده همراه زن و فرزندان است که قبلاً به آن اشاره شد. حتی مادران چند تن از امامان شیعه کنیزانی بوده‌اند که مستقیماً از برده‌فروشان خریداری شده‌اند؛ مادر امام حسین دختر اسیرشده یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی، حمیده مادر امام موسی بن جعفر، تکتم مادر امام رضا، سمانه مغربیه مادر امام علی نقی، حدیثه مادر امام حسن عسکری و بالاخره دختر قیصر روم که مادر امام غایب است، همگی کنیزان خریداری شده از برده‌فروشان بوده‌اند. (مراجعه شود به ضمیمه روزنامه "جمهوری اسلامی" شماره ۶ تاریخ ۶۱/۱/۲۶- مقاله "شرح حال مادران ائمه (ع)).

آیا این احکام مربوط به برده و غلام و کنیز مملوک را که نه تنها در قرآن، بلکه در تورات و انجیل هم وجود دارد، در دنیای کنونی می‌توان از نو زنده کرد؟

وتوانائی آن نباشد که زن پارسای با ایمان (و آزاد) گیرد پس کنیزان مومنه که مالک آن شدید به زنی اختیار کنید... با کنیزکان مومنه با اذن مالکش ازدواج کنید و مهر آنها را بدانچه مین شده بدهید، کنیزکانی که غنی باشند نه زناکار و نه رفیق و دوست دار، پس چون شوهر کردند چنانچه عمل زشتی از آنها سر زد بر آنها نصف عذاب زنان پارسای آزاد است. این حکم (کنیز را به زنی گرفتن) درباره کسی است که بترسد مبادا به رنج آفتد و اگر صبر کنید برای شما بهتر است...

درباره راه حلی که رفسنجانی

پیشنهاد می‌کند

ازدواج و تشکیل خانواده پیوندی بسیار پیچیده و مقدس میان زن و مرد است. اما "ازدواج موقت" بدون قصد تشکیل خانواده جز فحشای "شرعی" نام دیگری نمی‌تواند داشته باشد.

نیاز جنسی در زن و مرد، یک غریزه طبیعی برای ادامه نسل است. ولی شیوه اطفاي آن خصلت فردی دارد. بعضی‌ها حساسیت بیشتر دارند و برخی دیگر کمتر. فرض کنیم قبح این نوع ازدواج، آنطور که دقت‌خواه رفسنجانی است در میان مردم از بین برود و مردان و زنان ایرانی که در سن باروری هستند شیوه ازدواج موقت را برای اطفاي غریزه جنسی درپیش گیرند. اگر بطور متوسط هفته‌ای یکبار نیاز به اطفاي غریزه جنسی داشته باشند درسال می‌شود ۵۲ بار. و اگر امکانات تشکیل خانواده و زندگی صحیح خانوادگی همچنانکه امروز شاهد آن هستیم محدود و دشوار باشد و جوانان ایرانی مجبور باشند ده سال یا بیشتر از تشکیل خانواده خودداری کنند، در دوران بی‌خانمانی خود باید حدود ۵۲۰ بار ازدواج موقت کنند!

گرچه ققه شیعه سینه کردن را برای مردان، مشروط به نداشتن همسر دائمی نمی‌کند، اینجا سخن برسر انسان‌های هوس‌ران و بیماران جنسی و کسانی که علیرغم داشتن همسر و خانواده به دنبال بی‌بند و باری و شهوت رانی هستند، نیست، از انسان‌های خاکی و از دختران و پسران جوانی صحبت می‌کنیم که هزاران آرزو و امید برای تشکیل خانواده و زندگی خانوادگی در دل دارند و جامعه غیرانسانی ما آنان را به تنها زیستن و محرومیت‌های دیگر محکوم کرده است. چنین انسانی وقتی تن به "ازدواج موقت" خواهد داد که نه مسکن داشته باشد و نه دیگر امکانات لازم برای ازدواج دائم، به طوری که مدت این "ازدواج موقت" عملاً از چند ساعت نمی‌تواند بیشتر باشد!

می‌توان پرسید چرا در جمهوری اسلامی اینهمه جنایات جنسی منجر به قتل صورت می‌گیرد و یا به اعتراف آیت‌الله مشکینی در نماز جمعه ۱۷ آذر ۱۶۹، "متأسفانه در

سیاسی

آن طوری که از شواهد امر پیداست، در رابطه با سیاست حاکم بر زندان اوین طرفداران احمد خمینی حکومت می کنند.

از چند ماه پیش خبرهای بسیاری از درگیری های دمکرات ها با نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در کردستان منتشر شده است. سرپازی می گوید آرامش در سردشت به کلی به هم خورده است.

در تقاطع خیابان حقوقی و دکتر شریعتی، ضلع شمالی خیابان حقوقی، یعنی روبروی دبیرستان دخترانه "نصر" منزل شماره ۱۲۳ بانمای آجری وجود دارد. رفت و آمد دائمی پاسداران و کمیته چی ها به این خانه ساکنان محل را بسیار ناراحت کرده است.

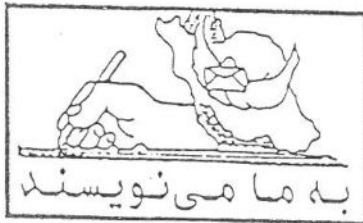
بیکاران صاحب عائله شب ها به میادین میوه می روند و میوه های گندیده را جمع کرده و با خود می برند تا گوشه ای از گرسنگی عائله اشان را رفع کنند.

بچه دزدی رواج دارد. خانواده ها بسیار ناراحت هستند. تعدادی از بچه ها را در راه مدرسه دزدیده اند. بطور مثال یکی از شاگردان مدرسه ای در خیابان آریاشهر و شاکرد دیگری از مدارس اطراف میدان محسنی (میرداماد) را دزدیده اند و خبری از آنها نیست.

در ادارات مالیات مناطق مختلف تهران باندهای بسیار فعال با دقت های ویژه "تخفیف

مالیات" بوجود آمده است. این باندها توسط واسطه های آشنا، مراجعین را به دقت های مربوطه برده و پس از مذاکرات لازم و پرداخت "حق و حساب" تخفیف های کلان مالیاتی می دهند. با دادن چنین رشوه ای در مواردی حتی تا ۹۰ درصد تخفیف مالیاتی داده می شود.

با همه کمک های ارزی و تسهیلاتی که رژیم برای واردکنندگان کالا در نظر گرفته، کاهش قیمت در این زمینه به چشم نمی خورد. ۷ تا ۸ نوع جنس مختلف بین ۷ تا ۱۰۰ درصد گران تر از قیمت تمام شده واردات آنها، در بازار معامله می شود.



علاوه برآنکه مسافرخانه ها هر روز می بایست لیست مسافران را به ماموران کمیته ارائه دهند، در بعضی مواقع ماموران انتظامی ناگهان جهت بازرسی به مسافرخانه ها سرزیر می شوند.

افراد بسیج با دادن ۵۰ تومان رشوه به پاسدار مسئول گروه خود، دو روز مرخصی می گیرند.

حاکم شرع آستارا فردی متاد و حیاض است. و هر وقت به فکار می رود، منتقل و وافر را به همراه می برد. می گویند یکبار جنگلبان ندانسته جلوی او را می گیرد. حاکم شرع مانند خان های سابق دستور می دهد مرد بیچاره را به درخت بسته و شلاق بزنند.

اوضاع و احوال مانند سابق است، با این اختلاف که بگیر و ببند بر سر مسئله حجاب باز اوج گرفته. ناگهانی به شرکتها می روند و خانم های منشی را دستگیر می کنند و از آنان می پرسند که چرا زبور آلاتی از قبیل انگشتر و النگو و غیره به همراه دارید. خلاصه بطوریکه رادیو خودش در اخبار اعلام کرد که در اولین روز، پس از اجرای دور تازه مبارزه با منکرات، قریب به ۸۰۰ نفر دستگیر شدند. البته بعد از شلاق زدن و گرفتن پول آزادشان می کنند. ولی اصلا در خیابان احساس امنیت نمی کنی. وقتی که مینی بوس می آورند بدون توجه هر چه خانم ببینند سوار کرده و با خود می برند. هفته گذشته در میدان آرژانتین مینی بوسها ایستاده بودند و هر زنی را که از آنجا عبور می کرد سوارش می کردند. اگر هیچ بهانه ای هم نداشت باشند بالاخره دو تا تار مو پیدا می کنند و یا یک انگشتر و النگو و... و خلاصه می گردن و پیدا می کنند.

می گویند احمد خمینی می کوشد تا به قائم مقامی "ولی قتی" برگزیده شود.

در جنگل جمهوری اسلامی همه چیز ممکن است.

"دولت خدمتگزار"

"همه می گویند، ما می گوئیم دولت ما خدمتگزار است. کیست که نخواهد دولتش خدمتگزار باشد. اما می پرسم، از آنجا که روز به روز بر قیمت اجناس داخلی، وارداتی، دولتی، کالاهای اساسی، مصالح ساختمانی، زمین، منزل، خودرو، مواد غذایی، مواد سوختی، مخارج درمانی، مالیات، عوارض آب، برق، تلفن و غیره اضافه می گردد، به گونه ای که عرصه برای زندگی قشر کم درآمد هر روز کمتر می شود. با این حال قطع سوبسید و افزایش بهای انواع خودرو، بنزین، تلفن، مواد غذایی و غیره موجبات تورم و گرانی در جامعه را فراهم می کند و اصولا بهانه به دست یک عده سودجو و فرصت طلب داده اند، با این توصیف شما بفرمائید معنای خدمتگزار یعنی چی؟ من که سردرگمی آورم؟"

- حل معما در این واقعیت است که خدمتگزار سودجویان و فرصت طلبان نمی تواند خدمتگزار مردم هم باشد ولی به هر حال "خدمتگزار" است.

از آنچه گفته اند

و

خواننده ایم

وجود دارد یک مقداری با حرف ما حل شود. طبق قانونی که وجود دارد به دادگاهها گفته شد که ازدواج موقت اشکال ندارد... این را به مامورین انتظامی هم گفتیم. به سردقترها هم گفته شد که می توانند طبق قانون (۱) ثبت و یادداشت کنند. اشکال قانونی در کشور نیست. اشکال روانی و حیثیتی است که هنوز جو جامعه آماده چنین چیزهایی و با چنین وسعتی نیست و این به عهده خود شماست... قبلا گفتیم طریحی نبود، بلکه خدا حکم داده بود. بعضی ها آمدند و در حکم خدا شک کردند."

- باید کردن این پاهندان به حیثیت و شک کنندگان در "حکم خدا" را با شمشیر عدل "قضاوتی"، همان شمشیری که فاجعه ملی کشتار جمعی زندانیان سیاسی را به راه انداخت، زدا

"دمکراسی" خوب است

اما برای همسایه

"اولین دور گفتگوهای روسای جمهور ایران و ترکیه شب گذشته در مورد رسیدگی به وضعیت آوارگان عراقی، ضرورت حفظ تمامیت ارضی عراق و برقراری دمکراسی در این کشور صورت گرفت."

- جمهوری قضاوتی و ترکیه ناتوتی هم تازگی ها طرفدار دمکراسی شده اند. اما نه برای خودشان، بلکه برای همسایه!

آمت بی اعتنا به "احکام الهی"

(جلسه پرسش و پاسخ رفسنجانی با دانشجویان)

"سوال، جنابمالی برای حل مسئله ازدواج جوانان، به ویژه دانشجویان چه اقدامی کرده اید؟ مسئله ازدواج موقت که فرمودید چه موقع عملی می گردد؟"

جواب، اینکه ما چه اقدامی کردیم حرف زدیم. خواستیم که مشکل روانی که در جامعه

چنان مجلسی، چنین...

حسلی" رای موافق داده اند، در انتخابات آینده رای دهد، گناه بزرگی مرتکب شده و جایبش در جهنم است. در حالی که برهنگان روشن بود که چماق تکثیر باهدف های دیگری به چرخش درآورده شده است. مجلس کنونی که روحانیون و وابستگانشان در آن اکثریت قاطع دارند، نه می خوساود و نه می تواند پا از دایره "ولایت قیه" بیرون بگذارد. قضیه این بود که برخی نمایندگان پنداشته بودند که موضوع التزام عملی به اسلام و نظام در شرط مسلمان بودن نیتته است و به منظور جلوگیری از سوءتعمیر و سوءاستفاده احتمالی، تکرار آن لزومی ندارد. اما حرامفریبی قشر دیگری از روحانیت چنان دامنه گسترده ای به خود گرفت که برای "کمیسیون شوراها" در مجلس، راه دیگری جز تمسیر متن ماده ۲۰ قانون انتخابات باقی نماند.

اینک، طبق این ماده، شرایط انتخاب شوندگان هنگام ثبت نام به ترتیب زیر تنظیم شده است:

- ۱- اعتقاد و التزام عملی به اسلام
- ۲- اعتقاد و التزام عملی به نظام جمهوری اسلامی ایران
- تیمبره - رد صلاحیت داوطلبان به استناد تحقق این دو شرط منوط به این است که موضوع در دادگاه صالح (بخران مجمع تفتیش عقاید) به ثبوت رسیده باشد.

- ۳- تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران
- ۴- ابراز وفاداری به قانون اساسی (به ویژه اصل "ولایت قیه")
- ۵- مدرک لیسانس یا معادل آن در حوزه علمیه (پایان سطح) که توسط دو نفر از اساتید حوزه های علمیه تایید شود.
- ۶- سلامت جسمی در حد برخوردار از نعمت بینایی، شنوایی و گوپایی
- ۷- حداقل سن ۲۶ سال تمام و حداکثر ۷۰ سال تمام

تیمبره - داوطلبان نمایندگی اقلیت های دینی مطرح در قانون اساسی از شرایط مذکور در بند یک مستثنی بوده و باید در دین خود ثابت المقیده باشند.

مروری مجدد براین شرایط به خوبی روشن می کند که اکثریت قریب به اتفاق نخبگان، دانشمندان و کارشناسان وهمچنین نمایندگان واقعی کارگران و دهقانان ایران که با پاسخگویی دو شرط اول نیستند و یا مدرک لیسانس ندارند، نمی توانند به "مجلس شورای اسلامی" راه یابند.

حتی چهارتن نمایندگان اقلیت های دینی زرتشتی، مسیحی و یهودی، لزوما باید "ثابت المقیده" باشند و بدون تنکر و تمقل، همه دگم هایی را که موبدان، کشیش ها و... تحصیل می کنند بپذیرند. وگرنه در گروه "دگراندیشان" وارد خواهند شد که در جمهوری اسلامی، جای زنده شان در زندان ها و جای مرده شان در "گننت آباد" است. برای نماینده "مجلس شورای اسلامی" تنها بینایی و شنوایی و گوپایی (آنهم در حد آنچه استاد ازل گفت بگو می گویم) کافی است و لازم نیست از نعمت تنکر و تمقل، آزاداندیشی، تشخیص بد و خوب و استمداد قانونگذاری مطابق نیازهای دنیای امروز و آینده نگری برخوردار باشد. چرا که براستی در جمهوری اسلامی ایران، حرف اول را "ولسی قیه" می زند و مجلس، حتی حق قانونگذاری به معنای

واقعی آن را ندارد.

در جلسه یکشنبه ۲۵ آذرماه ۶۹مجلس، محمدعلی حق، نماینده سراب، در سخنرانی پیش از دستور خود، نقش مجلس و نمایندگان را بدین گونه توضیح داد:

"نمایندگان و قوف تام دارند که قانونگذاری حق مخصوص خداوند است و درواقع هانی از شئون الوهیت ربوبیت است. هیچ فرد یا مقامی بدون استثناء حق قانونگذاری ندارد. حتی پیامبر و امام هم هرچه بگویند باید مستند به امر الهی و وحی آسمانی باشد. چنانکه این موضوع را امام امت در کتاب کشف الاسرار توضیح داده اند. صاحب کفایه می فرماید امر و نهی امام کاشف از اراده و کرامت خداوند است. منظور از تشکیل این مجالس، قانونگذاری و به راه انداختن این جنس و بحث و انتقاد ها همان پالایش قوانین موضوعه و تمسیر و توضیح مسائل و مطالب کتاب و سنت و تشخیص و تبیین احکام خداوند و دستورات پیامبر و ائمه و تطبیق آنها با مصادیق و موارد خاصه با درنظر گرفتن خصوصیات زمان و مکان و اوضاع و احوال و شرایط محیط و عناوین اولیه و ثانویه بوده است."

وقتی نماینده مجلس شورای اسلامی خود معترف باشد که حق قانونگذاری ندارد، نمی توان از او توقع داشت درباره "امر و نهی امام" که کاشف از اراده و کرامت خداوند" وانمود می شود، اظهار وجود کند و جرات داشته باشد مهابت دستورات "ولی قیه" را افشا نماید.

همین نماینده در بخش دیگری ازسخنان خود می گوید: "درتشخیص حکم خدا مایلالت خود انسان یا اکثریت و اقلیت مردم، موافقت و مخالفت احزاب و گروهها... ملاک و مناط حکم قانونی نمی تواند باشد و ایجاد مرصادی محکم درپایان سر مجلس شورای اسلامی به نام قتهای شورای نگهبان به امر امام امت هم به همین منظور می باشد. به دیگر سخن در برابر اراده "ولی قیه" مردم ایران ول مطمئن و در برابر شورای نگهبان، نمایندگان مجلس"

ضمنا در حمل دیده شد که قانون کاراسلامی مسبب مجلس هم توانست از صافی "اسلامی" شورای نگهبان عبور کند و سراججام "شورای تشخیص مصطت" یعنی "مرصاد" دیگری که "امام" بالای سر "شورای نگهبان" بپروچد آورد، آن را به مسئولیت خود به تایید نهایی رسانید!

این واقعیت که سرشت رژیم "ولایت قیه" با دموکراسی و پارلمانتاریسم دمساز نیست، ارتباطی با تبلیغات مخالفان ندارد، بلکه هواداران رژیم هم ای بسا بدون شرم و ترس و باقتضار، بارها آن را سیاه برسفید روی کاغذ آورده اند.

از جمله ماهنامه هنری "سوره"، دراسفند ماه ۶۹، در مقاله ای زیر عنوان "کدام شورای نویسندگان" خصوصیات "ولایت قیه" را چنین برمی شمارد:

"ولایت قیه نمی تواند با پارلمانتاریسم و دموکراسی جمع شود. این گفته البته به آن معنا هم نیست که ولایت قیه با استبداد و یا توتالیتراریسم جمع شود. خیر، ولایت قیه یک نظام حکومتی جدیدی است که نه با دموکراسی جمع می شود نه با استبداد. مرکز درجهان جدید ساقمه ای نداشته است... و بنابراین غرب و غرب زدگان، با میارها و منطبق خویش، مرکز امکان درک آن را ندارند. ایمان آوردن به ولایت قیه، منطبق دیگری می خواهد که از دین کسب می شود و دین نیز بر وحی مبتنی است. نمی خوام بگویم که ولایت قیه عقلانی نیست یا با استدلال عقلی قابل اثبات نیست. اما دین کار را قط

وقتی نماینده مجلس شورای اسلامی خود معترف باشد که حق قانونگذاری ندارد، نمی توان از او توقع داشت درباره "امر و نهی امام" که کاشف از اراده و کرامت خداوند" وانمود می شود، اظهار وجود کند و جرات داشته باشد مهابت دستورات "ولی قیه" را افشا نماید.

به عقل مردمان واگذار نکرده است و پیامبران، شرایع را نه از راه استدلال عقلی، بلسکه از طریق وحی در می یافته اند. وگرنه، تکلیف ما با عقل کج اندیش این حرام عالم نما که بت دموکراسی را می پرستند چه بود؟ این نوشته نیاز به تفسیر ندارد.

نویسنده مقاله سوره به درستی اعتراف می کند که "ترجمه دقیق دموکراسی" ولایت مردمی" است که در مقابل "ولایت قیه" قرار می گیرد و با آن جمع نمی شود... (گرچه) وجود نوعی پارلمان نیز در نظام حکومتی ولایت قیه ضرورت پیدا می کند. اما، صرف وجود پارلمان به مفهوم پذیرش دموکراسی نیست."

با این استدلال هیچ کس مخالف نیست. و اما بعد "ولایت قیه مبتنی براسلام ناب است که هم از "حقوق بشر" و هم از "آزادی"، دریافتی کاملا متفاوت بامشهورات و مقبولات بین المللی دارد. تفاوت معنای آزادی و حقوق بشر" در نزد ما با آنچه در جهان امروز موصول است آنقدر زیاد است که می توانیم با یتین بگویم که ما و غربی ها قط در لفظ اشتراک داریم نه در معنا."

نویسنده می خواهد به "غربی" ها بنهاند که کار نیکان را قیاس از خود مگیر

گرچه باشد درتوفیق شیرفیرا پشت سراین اعتراف خودستاخانه و سنجحانه واقعیات هولناکی نهفته است که نمی توان به برخی از آنها اشاره نکرد. از جمله کشتار مخفیانه گروه بزرگی از برکزیده ترین فرزندان خلق در زندان های رژیم به هنگام فاجعه ملی و سکوت مطلق درباره آن به بهانه "حفظ اسرار اسلام"، استفاده وسیع از انواع شکنجه های غیرانسانی علیه زندانیان سیاسی زیر عنوان "حکم الهی" و "تمیز" و بالاخره پایمال کردن کامل همه آزادی های سیاسی واجتماعی و تبدیل مبین ما ایران به یک زندان و گورستان بزرگ به منظور تامین "وحدت کلمه!"

نویسنده مقاله مجله سوره که ظاهرا یکی از گویندگان "سریگ برضد ولایت قیه" نیز هست می افزاید "آزادی بلاشرط در بیان، حوا ناخواه به این معناست که فی المثل نویسندگانی همچون "هنری میلر" و یا هنرمندانی چون "برگمان" که نجات بشر را در روی آوردن به حقایق جنسی می دانند نیز آزاد باشند" و سپس می افزاید، "اینکه گفتم مثالی پیش نیست. به اعتقاد من اشاعه افکار پوزیتیویستی که مذهب پرستش علم و تکنیک را تبلیغ می کند از اینهم خطرناک تر است!"

به راستی رژیم "ولایت قیه" چه دشمنی خطرناک تر از علم و دانش واقعی می تواند داشته باشد؟

رژیم "ولایت قیه" از "دموکراسی" مانند "جن از بسم الله" می ترسد و هیچ گاه با مردم سالاری و قانونگذاری از سوی نمایندگان واقعی مردم سرسازگاری نخواهد داشت. از این روست که در مجلس شورای اسلامی رژیم باید تنها کسانی وارد شوند که باتنکر امروزی و دانش راستین و درک منافع واقعی مردم و کشور بیگانه باشند.

به قول معروف "بپله دیگ، بپله چشندر".

جنگ برای کودکان عراقی پایان نیافته ...

بیش از ۱۷۰ هزار کودک عراقی به دلیل از بین رفتن امکانات پزشکی و درمانی برای جنگ ویرانگر خلیج و حواصق ناشی از آن در سال های آینده جان خود را از دست خواهند داد.

یک گروه از دانشمندان دانشگاه هاروارد آمریکا، پس از دیدار از چندین مرکز پزشکی و درمانی در شهرهای مختلف عراق، در گزارش خود اشاره به وضعیت اسفناک درمانی پس از جنگ نموده و میزان مرگ و میر در بین کودکان پائین تر از ۵ سال را در مقایسه با سال قبل از شروع جنگ بیش از دو برابر تخمین زده است.

در این گزارش همچنین آمده است که درصد مرگ و میر در بین کودکان نه تنها پائین تر نیامده، بلکه به سرصعودی خود ادامه می دهد. و با توجه به نزدیک شدن فصل گرما، شیوع بیماری های واگیردار نظیر تیفوس، وبا، و اسهال خونی اجتناب ناپذیر به نظر می رسد.

نظر این دانشمندان و نتایج ارائه شده توسط آنان در مخابرات کامل و آشکار با اظهارات دولت عراق و برخی از مطبوعات غربی مبنی بر بهبود تدریجی اوضاع در مراکز درمانی و بهداشتی عراق قرار دارد.

الیور نورث، یکی از عناصر اصلی ماجرای "ایران گیت" - ارسال اسلحه - در زمان ریاست جمهوری ریگان بود. وی قبلا در دادگاهی دیگر به سه سال زندان مشروط، پرداخت ۱۵۰ هزار دلار جریمه نقدی و ۱۲۰۰ ساعت کار اجباری محکوم شده بود.

دلیل برائت الیور نورث را اشتباهاتی عنوان کرده اند که گویا در پروسه قضایی وجود داشته است.

اسرائیل در مستحکم آمریکا در منطقه

روزنامه "الاکبار" چاپ قاهره، تصمیم واشنگتن دایر بر انبار کردن سلاحهای آمریکایی در اسرائیل را مورد انتقاد قرار داد.

به نظر می رسد که پس از اظهارات رهچاد چینی، وزیر دفاع آمریکا در رابطه با انباشت تسلیحات نظامی در خاک اسرائیل و همچنین تصمیم کنگره آمریکا مبنی بر قطع ارسال تجهیزات نظامی به دول عربی که جرج بوش خروشان کاهش ارسال و نه قطع آن است، استراتژی تبدیل اسرائیل به دژ مستحکم آمریکا در منطقه وارد مرحله جدیدتری گردیده است.

نامه مردم نیز قبل از شروع جنگ، و همچنین در طول آن و چه بعد از آن در مقالات متعددی این سیاست را افشا نموده و خواهد نمود.

تظاهرات برای پرچیدن سلاحهای

هسته ای مستقر در اروپا

در طی تظاهراتی که توسط هواداران "سلاح سبز" در مقابل مقر ناتو در بروکسل برگزار گردید، ۲۵۰ تن از تظاهرکنندگان توسط پلیس دستگیر شدند.

تظاهرکنندگان با مسدود ساختن دروازه اصلی مقر ناتو، علیه استقرار سلاح های هسته ای در اروپا به مخالفت پرداختند. آنان باتشکیل زنجیره ای از انسانها و با در دست داشتن نواری پارچه ای به طول بیش از ۱۴۰ متر که به روی آن بطور سمبولیک ۴ هزار کلامک هسته ای نقش بسته بود خروشان جمع آوری این سلاحها تا سال ۱۹۹۴ گردیدند.

از ۴ هزار سلاح هسته ای که می بایست از اروپا جمع آوری گردد، حدود ۲۷۰۰ سلاح فقط در آلمان غربی (سابق) و بقیه در کشورهای بلژیک، انگلیس، یونان، ایتالیا، هلند و ترکیه مستقر می باشند.

این تظاهرات هم زمان با نشست وزرای دفاع کشورهای عضو ناتو انجام گرفت. در این نشست بر سر شکل ساختار آینده نیروهای نظامی پیمان ناتو توافقاتی نیز صورت گرفت.

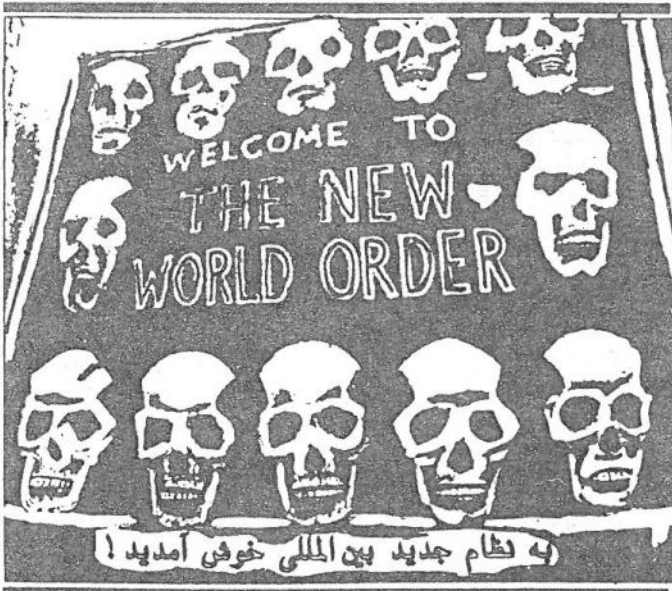
چنین به نظر می رسد که بعد از منحل شدن پیمان ورشو، ناتو نیز می بایست با جنگ سرد وداع کند.

ارسال تجهیزات نظامی به رژیم نژاد پرست توسط سیا

رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی، طی رژیم تحریم نظامی آمریکا در فواصل سال های ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۸ با اطلاع کامل سیا، به طریق غیرقانونی تکنولوژی لازم جهت ساخت موشک ها و دیگر تجهیزات نظامی از آمریکا دریافت نموده. نشریه "گامزمالی" با انتشار این گزارش، همچنین خاطرنشان ساخت که مقامات قضایی آمریکا بر این عقیده اند که دلایل کافی مبنی بر ارسال بخشی از این تکنولوژی توسط آفریقای جنوبی به عراق را در دست دارند.

این هم خبری از سرنویست "ایران گیت"!!!

دادگاه عالی آمریکا، روز سه شنبه ۲۸/۵/۹۱ تصمیم یک دادگاه تجدید نظر را در رابطه با پرونده الیور نورث مبنی بر برائت نورث تأیید کرد.



کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است!

- رقیعی از بلژیک ۶۰۰۰ فرانک بلژیک
- رقیعی از گلن ۱۰۰ مارک
- رقیعی از بلژیک ۶۹۰ مارک

NAMEH MARDOM

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

NO : 351

June 11 1991

- ADDRESSES
- 1- P.B. 49034 10028 Stockholm 49 Sweden
 - 2- Postfach 10644 1000 Berlin 10
 - 3- Postfach 11709 1000 Berlin 11

